گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با رئیس قرارگاه پدافند غیرعامل:

مشکل اول فهم متناقض از تهدید و فرصت است

علت به نتیجه نرسیدن پیام‌رسان بومی در ۳ جمله خلاصه می‌شود؛ نبود عزم ملی، نبود فهم ملی نسبت به مسئله و اولویت نداشتن برای مسئولان اجرایی

■ مهدی پورصفا

چند سالی است که پدافند غیرعامل بارها و بارها در رسانه‌های جمعی به ویژه زمانی که صحبت از تهدیدات انسان ساخت است، مطرح می‌شود. با این همه شاید اهمیت این سازمان و نقش آن در مصون‌سازی و افزایش تاب‌آوری کشور آنطور که باید شناخته نشده باشد. گفت‌وگو با سردار دکتر غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، بهانه‌ای شد تا به نقش این سازمان در مصون‌سازی زیر ساخت‌های حیاتی کشور بپردازیم.

اگر موافق باشید گفت‌وگو را در مورد ماهیت سازمان پدافند غیرعامل کشور شروع کنیم. این دستگاه هم یک سازمان نظامی و هم یک سازمان غیرنظامی است. در واقع یک کارکرد دوگانه دارد، با چنین مختصاتی این نهاد تا کجا توانسته جایگاه خود را چه در بین نهادهای کشوری و چه در نهادهای لشکری پیدا کند؟

پدافند غیرعامل در همه کشورهای دنیا وجود دارد و معمولاً در قالب‌های مختلفی شکل گرفته و دنبال می‌شود. در بعضی موارد آن را به عنوان دفاع غیرنظامی می‌بینند؛ به تعبیری دفاع از غیرنظامیان در برابر هر تهدید طبیعی و غیرنظامی مانند سیل، زلزله و غیره تا تهدیدات نظامی که باعث خرابی شهرها و آوارگی و جابه‌جایی مردم می‌شود مانند آنچه در دوران دفاع مقدس در بعضی از شهرها اتفاق افتاد.

مثلاً امریکا به عنوان یک کشور تکنولوژی‌محور چندین سازمان دارد که وظایفی مشابه مأموریت‌های سازمان پدافند غیرعامل کشور را انجام می‌دهد. یک سازمان مدیریت بحران فدرال به نام Fema دارد که حوادث و بحران‌های طبیعی را مدیریت می‌کند. ساختاری به نام دی‌اچ‌اس:DHS) Department of Homeland Security) که در واقع وزارت دفاع سرزمینی است که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر شکل گرفت. وظایف این سازمان در واقع دفاع در برابر تهدیدات امنیتی و دفاعی است و می‌توان گفت تقریباً ۸۰ درصد وظایف آن با مأموریت‌هایی که سازمان پدافند غیرعامل کشور دارد، شباهت دارد. در حوزه سایبری نیز سازمانی به نام Cyber Command یا فرماندهی سایبری در ایالات متحده وجود دارد که موضوعات حوزه سایبری را تحت پوشش و پیگیری دارد. به همین ترتیب در حوزه‌های شیمیایی و هسته‌ای هم سازمان‌های دیگری در این کشور وجود دارد که مسئولیت رصد و پایش تهدیدات در این حوزه‌ها را برعهده دارند. در کشور ما نیز رصد این تهدیداتی که ذکر شد، به طور کلی تهدیدات انسان ساخت در سازمان پدافند غیرعامل کشور تجمیع شده است.

سازمانی با چنین ساختار و مأموریتی قبل از انقلاب اسلامی در کشور وجود نداشت. تنها یک سازمان به نام دفاع غیرنظامی ایجاد شده بود که بعد از انقلاب، در جلسات شورای انقلاب با این برداشت که این سازمان امنیتی است، منحل شد. واقعیت امر این است ما در طول جنگ، سازمان پدافند غیرعامل نداشتیم و در تمام مواردی که نیاز بود تصمیمات اقتضایی گرفته می‌شد. مثلاً در دولت، ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ، ستاد پناهگاه‌ها و اقداماتی از این دست اجرایی شد. برای نمونه جایی مانند بنیاد مهاجرین به کار اسکان مردم جنگ‌زده، جابه‌جایی آنان، ساخت پناهگاه‌ها و پیش‌بینی آذوقه و از این قبیل اقدامات مشغول بودند.

پس عملاً ما تمام این سال‌ها متولی برای حوزه مقاوم‌سازی و افزایش تاب‌آوری کشور نداشتیم؟

از سال ۵۷ که انقلاب کردیم تا سال ۸۲، هیچ سازمانی با رویکرد و مأموریت پدافند غیرعامل در کشور وجود نداشت که متولی این بخش باشد، اما در سال ۸۲ بنا به تدبیر رهبر معظم انقلاب، سنگ بنای این سازمان گذاشته شد. زمانی که به دنبال فراهم کردن مقدمات کار و تدوین اصول و ضوابط اولیه و مستندات بودیم، در بررسی اسناد متوجه شدیم حضرت آقا بارها توصیه‌هایی را برای تشکیل چنین ساختاری مطرح فرمودند و تلاش‌هایی برای ایجاد چنین ساختاری در دولت، ارتش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی انجام شده بود، ولی به سرانجام نرسید. پس از آن مقام معظم رهبری به این جمع‌بندی رسیدند که مسئولیت را به ستاد کل نیروهای مسلح بدهند تا سازوکار تشکیل سازمان پدافند غیرعامل کشور مشخص شود. به این دلیل که مجموعه تدابیر، دفاعی و امنیتی باید بر بخش کشوری و لشکری اعمال شود، به همین خاطر مبنای ایجاد سازمان در ستاد کل نیروهای مسلح قرار گرفت. در واقع این سازمان زیرمجموعه ستاد کل نیروهای مسلح است، اما عملکرد آن در همه حوزه‌هاست.

عقب‌ماندگی‌ها تا چه اندازه است و چطور می‌توانیم آن را جبران کنیم؟

ما ۲۵ سال عقب‌ماندگی را نمی‌توانیم چند روزه جبران کنیم. برای مثال برخی از زیرساخت‌های ما در زمان احداث‌شان به رعایت برخی اصول پدافند غیرعامل توجه نشده است. این عدم توجه، یعنی ساختارها در برابر تهدیدات آسیب‌پذیرند و باید این نقاط ضعف برطرف شود و اصلاح صورت گیرد. این ۲۵ سال را در کنار سال‌های پیش از انقلاب که به این اصول توجهی نمی‌شد، قرار دهیم با یک تأخیر ۴۰ ساله در رعایت اصول و ضوابط پدافند غیرعامل در ساخت و سازها و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی در کشور روبه‌رو هستیم. این تأخیر، دو روزه جبران و اصلاح نمی‌شود. نکته دیگر اینکه اصلاح و در برخی مواقع جابه‌جایی این ساختارها، غیر از زمان مستلزم صرف هزینه بسیاری است. پس طبیعتاً یک رویکرد این است که ما به این سمت حرکت کنیم حداقل هرچه در آینده می‌سازیم، امن و ایمن باشد. رویکرد بعدی هم این است که به گذشته برگردیم و نقاط مهم اصلی قبلی را امن کنیم، اما تحقق حاکمیت اصول و ضوابط پدافند غیرعامل هم نیازمند فرهنگ و فهم است و هم نیازمند دانش. فرهنگ و فهم یعنی ما بفهمیم چنین موضوع مهمی وجود دارد و باید به آن پرداخته شود و دانش یعنی بدانیم که چه باید بکنیم. بنابراین به‌طور خلاصه ما تلاش زیادی کردیم تا از همه ظرفیت‌های کشوری و لشکری استفاده کنیم که این کار را پیش ببریم. اگر به گذشته نگاه کنیم که تقریباً کاری در این زمینه انجام نشده بود، اما خوشبختانه در این مدت کوتاه کارهای بسیار ارزشمند و خوبی انجام شده است. اگر به نقطه مطلوب نگاه کنیم که ما کجا باید باشیم و مقایسه کنیم خیلی کارها باقیمانده که انجام نشده است، باید این کارها هم به سرانجام برسد.

اگر اجازه بدهید در مورد این عقب‌ماندگی کمی مصداقی‌تر صحبت کنیم. اتفاقی که در تأسیسات نطنز و سالن مونتاژ سانتریفیوژهای آن افتاد، به دلیل همین عقب‌ماندگی در توجه به اصول و ضوابط پدافند غیرعامل بود؟

داستان نطنز یک داستان نفوذ بود و پیگیری نفوذ کار نهاد اطلاعاتی مانند وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه است و کار پدافند غیرعامل نیست. در پاسخ به این سؤال که چرا حادثه نطنز اتفاق افتاد، دوستان و عزیزان زحمتکش در وزارت اطلاعات باید پاسخگو باشند که اقدامات خوبی هم انجام دادند. نکته دوم این است، مشخص کنیم که رابطه سازمان پدافند غیرعامل کشور نسبت به سازمان انرژی هسته‌ای به لحاظ پاسخگویی به حادثه چیست؟ سازمان پدافند غیرعامل کشور، یک سازمان حاکمیتی در ستاد کل نیروهای مسلح است که مسئولیت پیگیری، اجرایی کردن، طراحی، نظارت و کنترل بر اقدامات دستگاه‌هایی دولتی را برعهده دارد. مسئولیت اینکه در دستگاه دولتی کاری انجام نمی‌شود با سازمان پدافند غیرعامل کشور نیست، باید ببینیم آیا این سازمان وظایفش را انجام داده است یا نه. مثلاً در حوزه هسته‌ای از ۱۰ سال گذشته در تمام زیرساخت‌ها، بهترین اقدامات پدافند غیرعامل انجام شده است. برای مثال فردو افتخار پدافند غیرعامل است؛ UCF اصفهان افتخار پدافند غیرعامل است؛ نطنز و مجموعه‌های تأسیسات مدفون زیرکوه آن افتخار کار پدافند غیرعامل است. ما با به‌کارگیری ضوابط و الزامات پدافند غیرعامل و استحکام بخشی تخصصی زیرساخت‌های هسته‌ای قرار نبوده جلوی نفوذ را بگیریم. بنابراین ما تلاش کردیم در مناطقی که از نظر ما حیاتی و حساس هستند متمرکز شویم، پیگیری کنیم و آنقدر بر مسئولیت و وظایفمان اصرار و پافشاری کنیم تا اهدافمان محقق شود و انرژی هسته‌ای هم جزو آنهاست. اینکه گزینه حمله نظامی به سیستم انرژی هسته‌ای ما بسیار ضعیف است، نتیجه توجه و به‌کارگیری ضوابط و الزامات پدافند غیرعامل است؛ یعنی ما به لحاظ سازه، ابزار و زیرساخت مستحکم هستیم.

به دولت در بحث الزامات پدافند غیرعامل و توجه به اقتضائات آن چه نمره‌ای می‌دهید؟

به شیوه معمول و کلاسیک نمره نمی‌دهیم. ما تقریباً با همه وزارتخانه‌های مختلف بنا به حوزه فعالیت آنان، تعامل داریم و کار می‌کنیم، میزان ارتباط ما در اقدامات هر وزارتخانه براساس سطح اهمیت و نوع آن دستگاه متفاوت است. با بعضی از دستگاه‌ها این ارتباط خیلی زیاد و با برخی خیلی کم است. با بعضی از دستگاه‌ها تعامل زیادی داریم مانند وزارت نفت و شرکت‌های تابع آن همچون پتروشیمی، گاز، شرکت پخش و پالایش و شرکت ملی نفت ایران در لایه‌ها و خدمات مختلف با هم کار می‌کنیم. با وزارت کشور تعاملات بسیار خوب و عملیاتی داریم، در حوزه استانداری‌ها، نیروها فعال و مسئولیت‌پذیر هستند. بعضی وزارتخانه‌ها هم هستند که تعامل مثبت و بالایی ندارند که من ترجیح می‌دهم نامی از آنها نبرم. خیلی از آنها به دلایل مختلف همکاری لازم را ندارند، برخی گرایشات و مواضع سیاسی را بهانه عدم همکاری قرار می‌دهند، در صورتی که رویکرد پدافند غیرعامل با توجه به اینکه زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح است بدون موضع‌گیری سیاسی است. ما پیگیری اوامر فرمانده معظم کل قوا را انجام می‌دهیم و رویکرد ما در این زمینه پیروی از فرامین رهبری است. طبیعتاً وقتی راجع به برخی تهدیدات اعلام‌نظر می‌کنیم، ممکن است نظر آن دستگاه ذی‌ربط با ما متفاوت باشد. یکی از برداشت‌های دوستان این است که ممکن است نظرات ما تحت تأثیر مواضع سیاسی باشد، طبیعتاً ما به هیچ‌وجه نظر سیاسی نداریم و در دوره‌ها و دولت‌های گذشته هم اثبات کردیم که نظر ما کاملاً حاکمیتی است و منافع ملی را در نظر می‌گیریم و به هیچ مناقشه‌سیاسی‌ای ورود نمی‌کنیم، ولی بعضی از دوستان تمایل دارند گرایشات سیاسی را بهانه کم‌کاری‌ها قرار دهند.

نسرین دادجو/ نسیم آنلاین

به نظر می‌رسد یکی از حوزه‌هایی که تعامل کمتری با سازمان پدافند غیرعامل کشور دارد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. در حال حاضر به نظر شما مهم‌ترین اولویت ما در حوزه فناوری اطلاعات چیست؟

توسعه فضای سایبری در کشور و در دنیا، یک پارادایم جدیدی در دنیا تولید کرده است که مدل زندگی، کسب‌وکار، حکومت و حکمرانی و حتی مدل دفاع و امنیت را تحت تأثیر خودش قرار داده و ما امروز شاهد بروز مفاهیم بسیار متنوعی از اثر فضای سایبری روی حوزه‌های مختلف هستیم که حوزه‌های بازار، زندگی، هنر، فوتبال، دفاع، امنیت و... تحت تأثیر این فضا قرار گرفته است؛ پس آنچه رخ داده یک واقعیت است. در دنیا دو تفکر کلی وجود دارد؛ یکی اینکه فضای سایبری یک فناوری نو، پیچیده و پیشرفته است و کشورهای پیشرفته مبدع آن هستند و آن را دنبال می‌کنند، ما هم باید حداکثر بهره‌برداری را از آن داشته باشیم. مانند اینکه مسیری ریل‌گذاری شده و در آن یک قطار هم باشد و یکی از این واگن‌های آن را به ما داده‌اند، ما در آن واگن بنشینیم و از امکانات درون واگن استفاده بکنیم، کاری نداشته باشیم که مسیر آن کجاست و به کجا ختم می‌شود، اصلاً به سمت حق می‌رویم یا به سمت باطل، اما یک تفکر دیگر می‌گوید باید از مواهب فضای سایبری استفاده کنیم، اما نباید بنده فناوری شویم، بلکه باید فناوری‌ها را در چارچوب منافع ملی در کنترل خود دربیاوریم. این رویکرد نیازمند تعریف نوعی حکمرانی است که با استقرار آن همه فناوری‌ها و خدمات سایبری در اختیار منافع ملی قرار می‌گیرد. ما طرفدار نگاه دوم هستیم و می‌گوییم یک نگاه ملی، یک نگاه حاکمیت ملی و منافع ملی بر تمام فضای سایبری باید حاکم باشد. در این فضا منافع خودمان را حفظ، استقلال و مدل حکمرانی خودمان را بازتعریف و زیرساخت‌هایمان را هم تأمین می‌کنیم و جلوتر می‌رویم.

با این نگاه می‌گوییم در فناوری سایبری باید یک قلمروی ملی تعریف شود که ما بتوانیم حکمرانی خودمان را داشته باشیم؛ حکمرانی یعنی بتوانیم منافع ملی را در آن حفظ کنیم؛ یعنی اگر دارایی ملی را دزدیدند بتوانیم مجرم را دستگیر کنیم؛ اگر به جان مردم آسیب وارد کردند بتوانیم مجرم را مجازات کنیم و اگر آبرو و حیثیت فردی را بردند یا با تهدیدی مواجه شدیم، بتوانیم احقاق حق کنیم. از آن طرف باید بتوانیم اهداف ملی‌مان را با نگاه و منافع خودمان در این فضا محقق کنیم، اینکه فکر کنیم چون فضای سایبری است پس ما ارزش‌های اسلامی را نمی‌توانیم در آن پیاده‌سازی کنیم، حرف غلطی است. ما می‌توانیم از ظرفیت فضای مجازی برای اعتلای ارزش‌های اسلامی استفاده کنیم نه اینکه ارزش‌های اسلامی را در سایه فناوری به دست فراموشی بسپاریم. بنابراین در این چارچوب ما معتقدیم باید یک بازنگری اساسی در راهبرد کشور در حوزه، نحوه استفاده از فضای سایبری داشته باشیم؛ دوم اینکه تصمیم‌گیران کشور نسبت به فضای سایبری به یک فهم مشترک برسند یا حداقل جای تهدید و فرصت را با هم عوض نکنند؛ یعنی یک عده یک مفهوم را تهدید حساب نکنند و یک عده همان مفهوم را به عنوان فرصت تلقی کنند، این در واقع بلای جان حکمرانی سایبری کشور است. این بدترین نوع برداشت است که الان متأسفانه ما در کشور درگیر آن هستیم.

مثلاً در بحث شبکه‌های اجتماعی ما به یک شبکه اجتماعی ملی نیاز داریم که همه خدمات مورد نیاز مردم را مبتنی بر شبکه اجتماعی به مردم ارائه دهد و پشتوانه آن نیز دولت باشد که در صورت هر نوع خدشه‌ای به مردم در شبکه اجتماعی ملی، از منافع آنان حمایت کند و پاسخگو باشد. شبکه اجتماعی ملی باید زیرساخت ملی داشته و کاملاً در اختیار کشور و حکومت باشد تا بتواند منافع و ارزش‌های خودش را در این فضا تأمین و دنبال کند. با این نگاه اگر زیرساخت‌ها ملی باشد ما می‌توانیم از اپلیکیشن‌های خارجی هم استفاده کنیم، یعنی می‌توانیم به نرم‌افزارهای مبتنی بر شبکه ملی اطلاعات، از هر نوع نرم‌افزار و سخت‌افزاری استفاده کنیم، ولی اگر بگوییم شبکه ما باید وابسته به شبکه جهانی باشد آن زمان مجبور هستیم روی تک‌تک اپلیکیشن‌ها بحث کنیم و بگوییم کدام درست و کدام غلط است و شاید خیلی از آنها ملاحظات پدافند غیرعامل را رعایت نکند.

می‌توان گفت به صورت جدی چهار، پنج سال است که موضوع ایجاد شبکه ملی اطلاعات مطرح و رسانه‌ای شده است، البته از قبل هم روی آن کار شده بود. در حال حاضر شما جایگاه شبکه ملی اطلاعات و میزان اعمال حاکمیت نظام جمهوری در فضای مجازی را چگونه ارزیابی می‌کنید و به آن چه نمره‌ای می‌دهید؟

خیلی کم! حوزه‌ها با هم متفاوت است؛ مثلاً در حوزه قضایی، حاکمیت جمهوری اسلامی کمتر از ۵۰ درصد است، یعنی صرفاً بخشی از جرائمی که در فضای مجازی اتفاق می‌افتد نظام قضایی قدرت رسیدگی و قدرت احقاق حق دارد، نه بیشتر. در حوزه فرهنگی بخش عمده‌ای از حاکمیت را از دست دادیم و تنها بخش ناچیزی از قدرت حاکمیت را در اختیار داریم. در واقع حاکمیت ملی و حکمرانی فرهنگی را از دست دادیم. من از تعبیری استفاده کردم، گفتم بخشی از فضای سایبری ما سرزمین اشغال شده است، یعنی ما باید یک سرزمین اشغالی را از دست دشمن پس بگیریم. مانند حماسه‌ای که در سوم خرداد رخ داد و خرمشهر را از دشمن پس گرفتیم، باید حاکمیت ملی در حوزه قضایی، فرهنگی و اجتماعی را پس بگیریم. در حوزه امنیتی وقتی دشمن قادر است در شبکه‌های اجتماعی خارج پایه با استفاده از عناصر مسلح، آموزش سلاح و ساخت بمب، مردم را به شورش دعوت و تولید ناامنی کند و به زیرساخت‌های ما حمله کند، یعنی بخشی از امنیت‌مان را در فضای سایبری از دست دادیم؛ امنیت ما در فضای سایبری یعنی ما بتوانیم برای مردم در این فضا امنیت ایجاد کنیم و مردم در این فضا احساس امنیت کنند.

نگاه شما به این اشغال، نگاه سخت‌افزاری است یا محتوایی؟

ترکیبی از هر دو؛ چون سخت‌افزار و نرم‌افزار به‌هم وصل هستند، هرچند بعضی از آقایان داستان پلتفرم و محتوا را به عنوان یک دوگانه مطرح کردند و می‌گویند پلتفرم را رها کنید و بر محتوا تمرکز کنید. آنهایی که می‌گویند پلتفرم را رها کنید، یعنی اجازه بدهید دیگران باشند و بعد فقط به محتوا بپردازیم؛ محتوا و پلتفرم دو جزء جدایی‌ناپذیرند، مثلاً وقتی اپ‌استور قرآن و سایر مفاهیم ارزشی را حذف می‌کند. یک پلتفرم است که دارد محتوای شما را حذف می‌کند، وقتی اپلیکیشن بانک‌ها را از گوشی شما حذف می‌کند، این کار نوعی اعمال حاکمیت است. بنابراین ما پلتفرم و زیرساخت بومی می‌خواهیم که بتوانیم از محتوای خوب استفاده کنیم و اگر پلتفرم خوب نداشته باشیم محتوای خوب هم تولید کنیم که امکان استفاده از آن وجود ندارد، چون می‌توانند با یک اشاره محتوای شما را از لیست حذف کنند. اخیراً شرکت سامسونگ هم بازی جدیدی به راه انداخته و تلاش دارد در حوزه محتوا، رگولاتوری کند. در فروشگاه‌هایی که ابزارها و خدمات گوشی هوشمند را ارائه می‌دهند، بخش زیادی از نرم‌افزارهای محتوای مثبت ایرانی را حذف می‌کنند این یعنی حاکمیت پلتفرم بر محتوا.

چرا تاکنون خیلی از این تلاش‌ها به نتیجه مثبتی نرسیده است؟ ما در حوزه پیام‌رسان‌ها چند اقدام جدی داشتیم، ولی ظاهراً هیچ کدام از آنها نتوانسته‌اند به فراگیری لازم دست پیدا کند.

پاسخ در سه جمله خلاصه می‌شود؛ نبود عزم ملی، نبود فهم ملی نسبت به مسئله و اولویت نداشتن برای مسئولان اجرایی کشور، وگرنه ساخت یک پیام‌رسان ملی یا یک موتور جست‌وجو، ناشدنی نیست. نمی‌گویم کار ساده‌ای است، ولی ما تعداد زیادی شرکت دانش‌بنیان و دانشمند در کشور داریم. مشکل اینجاست که بنا به سیاستی شما می‌آیید خدمات خارجی را رایگان در اختیار مردم قرار می‌دهید، سوبسیدها را در اختیار خدمات خارجی قرار می‌دهید و بر آنها هیچ اعمال حاکمیتی نمی‌کنید بدون هیچ تعهد و قراردادی. مثلاً گوگل چه توافقی با ما کرده است که چه خدماتی را در اختیار ما بگذارد و چه خدماتی را به ما ارائه ندهد؟ هیچ! یا اینستاگرام با ما چه توافقی کرده است؟ هیچ! مجوز گرفته است؟ خیر. تعهد کرده است که قوانین ما را رعایت کند؟ خیر. او آزاد آمده خاک ما را اشغال کرده است. داستان مجوزگرفتن این اپلیکیشن‌ها و سامانه‌ها از ساختار قانونی کشور برعکس شده است. به جای آنکه اینستاگرام تعهد بدهد که حقوق ما را رعایت کند، او می‌گوید اگر فلان کار را نکنید من به شما سرویس نمی‌دهم و باقی ماجرا. این ضعف حاکمیت ملی و در واقع ضعف وزارتخانه‌ای است که باید برای اپلیکیشن‌ها چه داخلی یا خارجی که می‌خواهند در شبکه ما، سرویس ارائه دهند تنظیم مقررات کند.

شما سه نکته ذکر کردید؛ نبود عزم ملی، بی‌توجهی مسئولان، نبود فهم ملی. چرا این عزم ملی ایجاد نمی‌شود؟

فهم واحد از مفاهیم سایبری وجود ندارد و هر کسی برداشت خود را دارد، متأسفانه بدترین شکل آن این است که خیلی از تهدیدات از سوی یک عده از مسئولان فرصت و خیلی از فرصت‌ها از سوی بعضی از آنها تهدید تلقی می‌شود؛ این یعنی امکان تصمیم‌گیری واحد وجود ندارد.

یعنی در ایالات‌متحده یک فهم واحد در مورد فضای مجازی وجود دارد؟

فهم‌شان نسبت به حاکمیت فضای مجازی مشترک است وگرنه نمی‌توان یک ماشین را با دو فرمان هدایت کرد، اما اگر قرار باشد یک عده پست الکترونیکی ملی را برکت و یک عده تهدید بدانند، آن کسی که تهدید می‌داند پول دستش است و اجازه نمی‌دهد این کار شکل بگیرد. یک عده سیستم عامل ملی را به ضرر کشور و یک عده برای کشور واجب می‌دانند، اینها چطور می‌خواهند با هم کار کنند؟ یکی وجود شبکه اجتماعی خارجی را برکت، موهب و نعمت الهی می‌داند و یکی تهدید برای کشور، من می‌گویم باید مدیریت حکمرانی شکل بگیرد و یکی باید حرف آخر را بزند و همه گوش به‌فرمان او باشند. اینجا تدابیر رهبری به عنوان فصل‌الخطاب، به عنوان کسی که قانوناً و شرعاً حرف می‌زند باید مدنظر قرار بگیرد. سال گذشته حضرت آقا یک نامه تفصیلی به رئیس‌جمهور محترم و رئیس شورای عالی فضای مجازی ابلاغ کردند و در آن اجزای شبکه ملی اطلاعات را برشمردند و گفتند اینها در یک زمان مشخص انجام شود، پس در مورد آن نباید تردید شود. این مقوله کم اهمیتی نیست، ولی می‌بینیم عزمی که نیاز است در اقدام و عمل وجود ندارد.

شما در پدافند غیرعامل به فهم جامعه هم تأکید کردید، منتها به نظر می‌رسد هنوز این ماجرا بین مردم جا نیفتاده است، یعنی مثلاً در یک نظرسنجی بالای ۸۰ درصد مردم اعلام کرده بودند ما کوچک‌ترین آمادگی در برابر زمین‌لرزه نداریم.

ما برای جبران عقب‌ماندگی‌هایی که در اثر تأخیر در ایجاد سازمان پدافند غیرعامل کشور به وجود آمده است اهداف و در زمینه فرهنگسازی نیز مخاطبان را اولویت‌بندی کردیم؛ اولویت اول ما مسئولان درجه یک بودند از شخص رؤسای جمهور، معاونان، وزرا، استانداران، مدیران، معاونان وزرا سطوح پایین‌تر، الان می‌توان به ضرس‌قاطع گفت که در این طیف، مدیری نداریم که با مفاهیم پدافند غیرعامل آشنا نباشد و اهمیت آن را درک نکند. ممکن است استثنا وجود داشته باشد، ولی عموماً می‌دانند. یک پله پایین‌تر می‌آییم در قشر تحصیلکرده‌ها و اساتید، شرکت‌ها دولتی، غیردولتی و خصوصی، در این حوزه هم اتفاقات خوبی افتاده است، اگر ما بخواهیم خودمان را مقایسه کنیم باید با حوزه‌های دیگر مقایسه کنیم ببینیم جلوتر یا عقب‌تر هستیم؟ مثلاً وقتی با حوزه محیط‌زیست یا با حوزه مدیریت بحران که یک حوزه دولتی و یکپارچه هم است، مقایسه می‌کنیم ما از آنها عقب‌تر نیستیم بلکه در خیلی حوزه‌ها هم جلوتر هستیم، یعنی توانستیم به اندازه زیادی به فهم مشترک دست پیدا کنیم. مثلاً ما الان شش سال است پدافند غیرعامل را به هشت گرایش تخصصی و هشت رشته دانشگاهی تعریف کردیم و الان دانشجو می‌پذیریم و آموزش می‌دهیم، یعنی پدافند غیرعامل هشت گرایش علمی دارد و تربیت استاد و دانشجو و تولید محتوا انجام می‌شود، پس بالاخره تلاش علمی انجام شده است و الان در فضای علمی کشور در حوزه‌های مختلف مخاطب داریم. سال گذشته به دلیل تصمیمی که دولت گرفت از ستاد ملی کرونا حذف شدیم، اما دیدیم چقدر از سازمان پدافند غیرعامل کشور مطالبه عمومی در حوزه پدافند زیستی وجود داشت. این مطالبه عمومی ناشی از فهم عمومی نسبت به پدافند غیرعامل و پدافند زیستی است، وگرنه کسی که نداند یک موضوع چیست برای چه می‌خواهد مطالبه کند؟ مطالبه نتیجه فهم است. ما قشر عام و مردم عادی را در سطح سوم مخاطبانمان قرار دادیم و چند سالی است وارد حوزه‌های مردمی شدیم و داریم کار می‌کنیم منتها باز تا نقطه مطلوب فاصله خیلی زیاد است.

فکر نمی‌کنید اگر در حوزه مردمی کارهای بهتری انجام شود، مطالبه مردم از مسئولان در خصوص پدافند غیرعامل بالاتر می‌رود؟

ما براساس تدبیر حضرت آقا عمل می‌کنیم. ایشان فرمودند بروید مسئولان و وزرا را چهره به چهره توجیه کنید، من الان با هر کسی که وزیر می‌شود حداقل یکبار و حداکثر پنج بار دیدار می‌کنم. طبق تدبیر رهبری عزیز عمل می‌کنیم؛ چهره به چهره. یعنی همه موضوعات را یک به یک مطرح می‌کنیم تا مطمئن شویم مفهوم کاملاً تفهیم شده است. اگر ندانند دوباره می‌رویم، سه‌باره می‌رویم، چهارباره می‌رویم تا انجام شود. منظورم این است که براساس اولویت، تشخیص ما این بوده که از سطوح عالی شروع کنیم و بعد به سراغ مردم برویم. ضمن اینکه بخشی از کار در حوزه آموزش‌های عمومی جامعه مربوط به صداوسیماست. خوشبختانه در این حوزه نه به حد کفایت، ولی کارهای خوبی در حوزه آموزش و فرهنگسازی انجام شده است.

به عنوان سؤال آخر اگر بخواهیم وضعیت کشورمان را از نظر رعایت ضوابط و اصول پدافند غیرعامل با کشورهای اطراف خود مقایسه کنیم، چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید؟

اولاً پدافند غیرعامل از لحاظ دانشی جزو رشته‌های تحریمی است، یعنی کسی دانش پدافند غیرعامل را به ما نمی‌دهد، بنابراین خودمان تولید می‌کنیم. در این بخش تاکنون توانستیم ۱۶ رشته دانشگاهی در حوزه پدافند غیرعامل در مقطع ارشد و دکتری طراحی کنیم و برای این ۱۶ رشته، کتاب و دانشجو و استاد تعریف کردیم و جلو رفتیم و در خیلی از حوزه‌ها توانستیم الگوی پیشرو باشیم، این نشان می‌دهد که پیشرفت علمی ما خیلی خوب بوده است.

به لحاظ پیاده‌سازی در عمل، خیلی از کشورها مشکل دارند، مثلاً امریکا در حوزه پدافند غیرعامل در حوزه اسناد و کتاب‌ها شاید رتبه اول را در دنیا داشته باشد، ولی ما در حوزه اجرا نیز به عنوان مثال در بحث ساخت شهرک‌های زیرزمینی و سازه‌های زیرزمینی جزو رتبه‌های یکم تا پنجم در دنیا هستیم، یعنی ما توانستیم هر سازه‌ای را که بخش دفاع و اجرایی ما نیازمند آن بود، در زیرزمین بدون کمک خارجی بسازیم. امروز شما نماد آن را می‌توانید در شهرهای موشکی ببینید.

همین زیرساخت‌های زیرزمینی برای شلیک موشک، دانش بسیار بالایی می‌خواهد. این علم در دنیا خیلی پیشرفته است و تنها چهار، پنج کشور محدود چنین توانمندی‌هایی دارند که ما نیز جزو آنها هستیم. یا در حوزه‌های سایبری توانستیم به اقدامات دفاعی خوبی برسیم که بحث آن خیلی مفصل است و پیشرفت‌های زیادی در این حوزه داشتیم. به نظرم در حوزه دانش، مدیریت، ساختارسازی همتراز کشورهای برتر دنیا هستیم. در حوزه اجرا با توجه به عقب‌ماندگی ما نسبت به گذشته تا به حال طبیعتاً ممکن است به آن افق مطلوب خودمان کاملاً نرسیده باشیم، اما تمام توانمان را برای رسیدن به نقطه مطلوب به کار خواهیم بست.

> ما به هیچ‌وجه نظر سیاسی نداریم و در دوره‌ها و دولت‌های گذشته هم اثبات کردیم که نظر ما کاملاً حاکمیتی است و منافع ملی را در نظر می‌گیریم و به هیچ مناقشه‌سیاسی‌ای ورود نمی‌کنیم، ولی بعضی از دوستان تمایل دارند گرایشات سیاسی را بهانه کم‌کاری‌ها قرار دهند